

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

مطالعات فقه سیاست



دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال چهارم، شماره هفتم، بهار و تابستان ۱۴۰۳



صاحب امتیاز: مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام
مدیر مسئول: آیت الله محمد جواد فاضل لنکرانی
سردبیر: سید جواد حسینی گرگانی



هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا):

- ♦ میرتقی حسینی گرگانی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ سید جواد حسینی گرگانی (مدرس سطوح عالی حوزه علمیه قم، دکتری فقه روابط بین الملل)
- ♦ قاسم شبان نیا (دانشیار مؤسسه امام خمینی علیه السلام، دکتری علوم سیاسی)
- ♦ محمد جواد فاضل لنکرانی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ احمد مبلغی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ ابوالقاسم مقیمی حاجی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)
- ♦ محمد جواد نوروزی (استاد مؤسسه امام خمینی علیه السلام)
- ♦ محمد سعید واعظی (مدرس خارج فقه و اصول حوزه علمیه قم)

دبیر تحریریه: محمد قاسمی
طراح جلد: حمیدرضا پورحسین
دبیر اجرایی: حسین حمزه
صفحه آرا: محسن شریفی
مترجمان: سید محمد سجادی (عربی) - جاوید اکبری (انگلیسی)

دوفصلنامه **مطالعات فقه سیاست** بر اساس نامه شماره ۳۷۷۴ شورای اعطای مجوزها و امتیازهای شورای عالی حوزه‌های علمیه در جلسه مورخ ۱۴۰۳/۳/۲۹ از شماره سوم به رتبه علمی - پژوهشی ارتقاء یافته است.

نشانی: قم، میدان معلم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام، معاونت پژوهش، دفتر دوفصلنامه مطالعات فقه سیاست
تلفن: ۰۲۵ - ۳۷۷۴۹۴۹۴ - ۰۲۵ - دورنگار: ۰۲۵ - ۳۷۷۳۰۵۸۸
قیمت: ۴۰۰۰۰۰ ریال





The Necessity of Islamic State Policy-Making in Establishing an Islamic Lifestyle

*Muhammad Bāqir Rabbani*¹

Abstract

Lifestyle is a social concept that has drawn increasing attention from scholars in recent decades. It encompasses elements such as clothing styles, recreation, diet, behavior, and home decoration, reflecting the intellectual and ideological framework of individuals and societies. In other words, differences in lifestyles arise from variations in belief systems, worldviews, and normative or value systems. This paper uses a descriptive library-based methodology to explain the need for policy-making by the Islamic state in the domain of lifestyle. It compares the characteristics of Islamic and Western lifestyles, highlighting their differences. Key features of the Islamic lifestyle include God-centeredness, goal orientation, ethics, spirituality, prescriptiveness, and adherence to jurisprudential norms. Conversely, Western lifestyles emphasize humanism, hedonism, consumerism, and conformity to Western cultural symbols. These contrasts underscore the importance of Islamic state intervention in shaping lifestyles. The necessity of such policies is emphasized in the Second Step Statement of the Islamic Revolution, where the Supreme Leader highlights lifestyle as a critical issue. In this regard, the Islamic state must not remain indifferent to the culture of its society; rather, it must develop effective policies for guiding its members, particularly the youth, towards a proper lifestyle.

Keywords: Lifestyle, Humanism, Policy-Making, Goal Orientation, Prescriptiveness, Consumerism.

□

1. Faculty Member of the Sociology Department at the Imam Khomeini Educational and Research Institute (rahmatullāhi 'alayh): rabani418@yahoo.com

مطالعات فقهی و سیاست

دوفصلنامه علمی - پژوهشی
سال چهارم، شماره هفتم (بهار و تابستان ۱۴۰۳)
تاریخ ارسال: ۱۴۰۳/۰۳/۲۵
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۵

لزوم سیاست‌گذاری دولت اسلامی در عرصه تحقق سبک زندگی اسلامی

محمدباقر ربانی^۱

چکیده

سبک زندگی از جمله مباحث اجتماعی است که در دهه اخیر مورد توجه اندیشمندان قرار گرفته است. سبک زندگی مفهومی است که به بررسی عناصر مورد توجه از قبیل: نوع پوشش، تفریحات، نوع تغذیه، رفتارها، تزئینات منزل و... می‌پردازد. سبک زندگی نشان از نظام فکری و بینشی یک فرد و جامعه است. به عبارت دیگر اختلاف سبک‌های زندگی ناشی از نظام باورها، بینش‌ها و نظام‌های اجتماعی و ارزشی انسان است. در این نوشتار چرایی لزوم سیاست‌گذاری دولت اسلامی در عرصه سبک زندگی با روش کتابخانه‌ای و توصیفی تبیین می‌گردد. در این راستا افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی پاسخ داده می‌شود. مورد بررسی قرار می‌گیرد. خدا محوری، غایت‌گرایی، اخلاق‌گرایی، معنویت‌گرایی، تجویزی بودن و پیروی از هنجارهای فقهی از مولفه‌های سبک زندگی اسلامی است. در مقابل، اومانیسیم، لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی و پیروی از نمادهای غیر دینی از جمله مولفه‌های سبک زندگی غربی به شمار می‌آید. افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی، حاکی از اهمیت سیاست‌ورزی دولت اسلامی در عرصه سبک زندگی است. چنانکه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی از جمله سفارشات مقام معظم رهبری، مساله سبک زندگی است. در این عرصه دولت اسلامی نسبت به فرهنگ جامعه خود نباید بی‌تفاوت باشد، بلکه باید برای اعضای جامعه و جوانان سیاست‌گذاری صحیح داشته باشد. کلیدواژگان: سبک زندگی، اومانیسیم، سیاست‌گذاری، غایت‌گرایی، تجویزی بودن، مصرف‌گرایی.

۱. عضو هیئت علمی گروه جامعه‌شناسی مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ره)، rabani418@iki.ac.ir



مقدمه

سبک زندگی از مفاهیمی است که در دهه‌های اخیر مورد توجه جامعه شناسان، روان‌شناسان، اقتصاددانان و اشخاصی که در حوزه مطالعات فرهنگی و علوم پزشکی تحقیق و بررسی می‌کنند، قرار گرفته است. سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای از شیوه‌های رفتار، تلقی‌ها، حالت‌ها و سلیقه‌هایی دانست که برآمده از باورها و ارزشهای یک جامعه است. نظریه‌های مختلفی درباره سبک زندگی مطرح شده که برخی روان‌شناسانه و برخی جامعه‌شناسانه و برخی اقتصادی این مفهوم را مورد مطالعه و بررسی قرار داده‌اند.

بر اساس نگاه دینی و اسلامی و در یک نگاه حداقلی یا حداکثری، بخشی از قواعد و هنجارهای زندگی جمعی انسان‌ها از شریعت الهی نشأت گرفته و سبک زندگی این انسانها نیز، یک سبک اسلامی و دینی است. در مقابل، یک نگاه سکولار و غیر دینی نسبت به سبک زندگی وجود دارد که منشأ آسمانی نداشته و شریعت الهی سازمان‌دهنده آن در حوزه خانواده، اجتماع، اقتصاد، پوشش و... نمی‌باشد.

بنابراین، سبک زندگی انسانها از نوع جهان بینی، باورها و ارزشها شکل می‌گیرد و بر این اساس، سبک زندگی را می‌توان به سبک زندگی اسلامی و دینی و سبک زندگی غربی و غیر اسلامی تقسیم نمود. سبک زندگی اسلامی از جهان بینی الهی شکل گرفته و سبک زندگی غربی از جهان بینی مادی و مکاتب غربی و غیر الهی شکل گرفته است. اشاعه مصرف‌گرایی و عدم رابطه مصرف با نیاز و توجه به مصرف‌گرایی به عنوان یک طبقه اجتماعی خاص، سبب شده که مصرف‌گرایی به عنوان یک فرهنگ در سبک زندگی غربی به شمار آید.

توجه به سبک زندگی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی حاکی از اهمیت آن است. مقام معظم رهبری (زید عزه) درباره اهمیت این موضوع می‌فرماید: «... تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران، زیان‌های بی‌جبران اخلاقی و اقتصادی و دینی و سیاسی به کشور و ملت ما زده است؛ مقابله با آن، جهادی همه‌جانبه و هوشمندانه می‌طلبد که باز چشم امید در آن به شما جوانها است». (خامنه‌ای، ۱۳۹۷)

در این نوشتار بر اساس روش توصیفی و کتابخانه‌ای علاوه بر بیان افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی، ضرورت سیاست‌گذاری دولت اسلامی برای افراد جامعه اسلامی از منظر فقه سیاسی، مطرح شده است.



۱. مفاهیم

در این قسمت به مفهوم‌شناسی سبک، زندگی و سبک زندگی و سیاست‌گذاری می‌پردازیم.

۱-۱. سبک

سبک، مجموعه روش‌ها و طریقه‌هایی است که هر فردی به وسیله آن از تمام سرمایه‌های فردی و اجتماعی برای برقراری ارتباط با دیگران و سپری نمودن امور زندگی و اجتماعی خود، استفاده و آنها را به کار می‌اندازد. لذا سبک پدیده‌ای جمعی است که از طرف تعدادی از افراد جامعه یا گروهی خاص، مورد پذیرش واقع می‌شود. (کافی، ۱۳۹۷، ص ۱۰)

۱-۲. زندگی

در ترکیب سبک زندگی، مراد از زندگی، از زمان تولد تا مرگ یا زندگی این جهانی است. اگر چه در آموزه‌های اسلامی، مرگ پایان زندگی نیست. (کافی، ۱۳۹۷، ص ۱۱)

۱-۳. سبک زندگی

مفهوم سبک زندگی امروزه به قدری گسترده شده که بیان یک تعریف دقیق و مورد پذیرش همگان، برای تعیین ابعاد، مولفه‌ها و شاخص‌های آن بسیار دشوار است (کافی، ۱۳۹۷، ص ۱۲). سبک زندگی (lifestyle) مفهومی است که در دهه ی اخیر، توجه بسیاری از متفکران را به خود جلب کرده و رشته‌های مختلف، نظیر روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، مطالعات فرهنگی، علوم پزشکی و... از جمله حوزه‌هایی هستند که مفهوم سبک زندگی کاربرد فراوانی در آنها دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۲۶).

آلفرد آدلر، سبک زندگی در روان‌شناسی را ابداع کرد و پیروان کلاسیک او و دیگران به تبیین آن پرداخته‌اند. آدلر و پیروان او، سبک زندگی هر فرد را به یک درخت تشبیه کرده که این درخت از چند ویژگی برخوردار است: ۱) همان‌طور که درخت دارای ریشه، ساقه، شاخه است، درخت سبک زندگی نیز، ریشه‌ها، آوندها، شاخه‌ها و سرشاخه‌های متعدد دارد؛ ۲) تمام ریشه‌ها در تعامل با یکدیگر و با محیط هستند؛ ۳) آوندهای موجود در ساقه نیز، در تعامل با یکدیگر و با محیط هستند؛ ۴) شاخه‌ها و سرشاخه‌ها نیز در تعامل با خود و محیط هستند؛ ۵) تک‌تک آوندها از تک‌تک ریشه‌ها اثر پذیرفته‌اند و بر تک‌تک شاخه‌ها و سرشاخه‌ها اثر می‌گذارند. درخت سبک زندگی دارای ریشه‌هایی در کودکی است و در نگرش‌های متعدد فرد



اثر می‌گذارد و کیفیت به انجام رساندن وظایف زندگی را تعیین می‌کند. درخت سبک زندگی دارای پنج ریشه است که بیانگر دوران سازنده کودکی و تاثیرات اولیه هر کدام از آنها در انتخاب الگوی اولیه سبک زندگی است. این پنج ریشه عبارتند از: سلامتی و ظاهر، وضعیت اقتصادی-اجتماعی خانواده، نگرش‌های والدینی، شکل جمعی خانواده و نقش جنسیتی (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۴۵-۴۷).

ساقه درخت سبک زندگی دارای نگرش‌های کلی حاکم بر سبک زندگی هر فرد است. در هر فرد پنج نگرش کلی را می‌توان تشخیص داد که عبارتند از: نحوه نگرش به خود، نحوه نگرش به مشکلات، نحوه نگرش به دیگران، نحوه نگرش به جنس مخالف و نحوه نگرش به زندگی (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۴۸).

شاخه‌ها و سرشاخه‌های درخت سبک زندگی، همان وظیفه‌های شش گانه اصلی انسان است که عبارتند از: وظیفه اجتماعی بودن، وظیفه عشقی و جنسی، وظیفه شغلی، وظیفه فرد در قبال خود، وظیفه معنویت و وظیفه خانوادگی (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۴۸-۵۱).

برخی سبک زندگی را مجموعه‌ای از انتخاب‌ها و ترجیحات الگومندی می‌دانند که افراد، آنها را نه تنها برای برآوردن نیازهایشان، بلکه همچنین به منظور بیان تمایز و وابستگی خود به کار می‌گیرند. بر پایه این تعریف، عناصر اصلی سبک زندگی به سه عنصر اساسی انتخاب، الگومندی و دلالت‌مندی یا نمادین بودن، منتهی می‌شود (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۲۱۳).

در یک جمع‌بندی سبک زندگی را می‌توان مجموعه‌ای از ارزش‌ها، شیوه‌های رفتار، تلقی‌ها، حالت‌ها و سلیقه‌ها دانست که بیشتر مواقع در میان یک گروه ظهور می‌کند. در سبک‌های زندگی، رهیافت‌هایی از ارزش‌ها، تلقی‌ها، سلیقه‌ها و... به دست می‌آید و در قالب زندگی از طرز پوشش، غذای مورد علاقه، طرز آراستن تا معماری و تزئین خانه و... نمایان می‌شود (کلینی، ۱۳۹۷، ص ۱۲). با توجه به آنچه درباره سبک زندگی مطرح شد، این نتایج به دست می‌آید:

۱. سبک زندگی اموری را شامل می‌شود که به زندگی انسان اعم از فردی و اجتماعی، مادی و معنوی او مربوط می‌شود. اموری نظیر بینش‌ها، گرایش‌ها، رفتارهای بیرونی، جایگاه‌های اجتماعی و دارایی‌ها.

۲. سبک زندگی همه حوزه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را شامل می‌شود.

۳. سبک زندگی دلالت بر مجموعه‌ای از رفتارهای بیرونی و درونی و دارایی‌ها است.

۴. سبک زندگی مقوله‌ای فردی و جمعی است و می‌توان آن را در سطح فردی و اجتماعی



مورد مطالعه قرار داد (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۷۳-۷۵). بنابراین سبک زندگی مقوله‌ای است که مربوط به حوزه باورها، عقاید، ارزش‌ها، رفتارها، هنجارها و نمادها می‌شود. مقوله سبک زندگی همه حوزه‌های فرهنگ، اقتصاد، سیاست، اجتماع و دولت را شامل می‌شود. از این رو سیاست‌گذاری دولت اسلامی در همه حوزه‌ها لازم و ضروری است.

۱-۴. سیاست‌گذاری

فیلیپ برو، سیاست‌گذاری را تجلی اراده حکومت در عمل (یا خودداری از عمل) دانسته که می‌توان با عنوان مجموعه‌هایی ساختاری از مقاصد، تصمیمات و اعمال - که قابل نسبت به اقتدار عمومی در سطوح محلی، ملی و بین‌المللی هستند -، در نظر گرفت. (وحید، ۱۳۸۳، ص ۱۶).

برخی بر این باورند که «سیاست‌گذاری عمومی، پدیده‌ای است که در قالب یک برنامه عمل دولتی در یک بخش از جامعه یا یک فضای جغرافیایی، ظاهر می‌گردد.» سیاست‌های کشاورزی، سیاست‌های شهرنشینی یا سیاست‌های مربوط به حمل و نقل، به عنوان مجموعه‌ای از برنامه‌های دولتی در زمینه‌های مذکور تلقی می‌شوند (مولر، ۱۳۷۸، ص ۳۰).

جونز، عملکرد دولت و تصمیم‌گیران را به پنج مرحله به هم وابسته تقسیم می‌کند:

۱. مرحله شناخت مشکل و قرار گرفتن مشکل در دستور کار حکومت؛

۲. مرحله ارائه راه حل‌ها؛

۳. مرحله تصمیم‌گیری؛

۴. مرحله اجرا؛

۵. مرحله ارزیابی (وحید، ۱۳۸۳، ص ۲۳).

یکی از راه‌های درک بهتر مفهوم سبک زندگی، بررسی عناصر و مولفه‌های سبک زندگی است. زیمل، ویلن و وبر در آثار خود از این عناصر یاد کرده‌اند. این عناصر عبارتند از: شیوه تغذیه، خود آرایی، نوع پوشاک، نوع مسکن، نوع وسیله نقلیه، شیوه گذراندن اوقات فراغت و تفریح، رفتارهایی نظیر دست و دل بازی، سیگار کشیدن در محافل عمومی و تعداد مستخدمان و آرایش آنها (مهدوی کنی، ۱۳۸۷، ص ۵۹). کلاکھون (۱۹۵۸) به رفتارهای شخصی مصرفی که حاکی از ترجیحات فردی است؛ نظیر نحوه استفاده از صنایع فرهنگی، تفریحی و ورزشی، نحوه بازی کردن و لباس پوشیدن، اشاره می‌کند (کاوایی، ۱۳۹۴، ص ۴۰).



پارسونز جنبه‌هایی از سبک زندگی که ناشی از فناوری مدرن است را مطرح می‌کند؛ مواردی مثل خودروی خانواده، یخچال، ماشین لباسشویی، تلویزیون، اوقات فراغت، ذوقیات، رسیدگی به وضع ظاهری و لباس، آداب معاشرت، سلیقه زیبا شناختی، سرگرمی‌ها، طرز پوشش، رفتارهای جنسی، بهداشتی، مذهبی و سیاسی، اثاثیه، اشیای هنری، ابزار موسیقی، سلیقه در غذا و نوشیدنی‌ها، روش پخت، نوع صحبت کردن در خانه، روابط با فرزندان، روش‌های تربیت کودک، تراکم جمعیت، نقاشی‌ها، کتاب‌ها، سیگارها، عطرها، لباس‌ها، ورزش‌ها، تفریحات، بازی‌ها و رسیدگی به ظاهر بدن، همه از اموری هستند که در کلمات جامعه‌شناسان به طور مکرر دیده می‌شوند (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۴۱).

۲. رابطه فرهنگ با سبک زندگی

سبک زندگی ارتباط نزدیکی با مفهوم فرهنگ دارد و لذا ضروری است که نسبت این دو مفهوم، مورد بررسی قرار گیرد. بنا بر برخی برداشت‌ها، مفهوم سبک زندگی هم چون فرهنگ، مفهومی کلی و فراگیر است. سبک زندگی تقریباً معادل فرهنگ انگاشته شده و در برخی برداشت‌ها، مفهوم سبک زندگی در معنایی خاص‌تر از فرهنگ به کار رفته است. تفاوت میان سبک زندگی با فرهنگ وقتی بارز است که سبک‌های زندگی چونان پاره فرهنگ، متمایز کننده طبقات اجتماعی در درون یک «مادر - فرهنگ» مشترک همگان، در نظر گرفته می‌شود (نیک گهر، ۱۳۷۳، ص ۱۱۱).

در نگاه زیمل، سبک زندگی، گستره‌ای همانند مفهوم فرهنگ دارد. وی فرهنگ را به فرهنگ ذهنی و عینی تقسیم می‌کند. منظور زیمل از فرهنگ ذهنی، ظرفیت‌های خلاق و پایان‌ناپذیر روح آدمی است. این قسمت از فرهنگ، خلاق و همواره در حال سیلان و تکامل یابی است و عرصه‌ی عاملیت، خود مختاری و استقلال فرد به شمار می‌آید. فرهنگ ذهنی با مفاهیم «محتوا» و «زندگی» ارتباطی نزدیک دارد. زیمل فرهنگ عینی را در تقابل با فرهنگ ذهنی تعریف کرده، به آن دسته از مصنوعات یا اعیان فرهنگی اشاره دارد که در قالب صورت‌هایی مانند قوانین مدنی، قوانین اساسی، آثار هنری، دین، علم، تکنولوژی و... تجسد و عینیت یافته است. لذا جایگاهی که ذهن و عین به توازن می‌رسند، عرصه‌ی ظهور سبک زندگی است و در سبک زندگی، فردیت یا فرهنگ ذهنی و عمومیت یا فرهنگ عینی هر دو حضور دارند. از این روسبک زندگی تلاشی برای ایجاد توازن میان ذهنیت و عینیت تعریف



کرد. بنابراین سبک زندگی از منظر زیمل تقریباً معادل فرهنگ است (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۳۶-۳۷).

آنتونی گیدنز در تعریف فرهنگ بر این باور است که «فرهنگ به مجموعه شیوه‌های زندگی اعضای یک جامعه اطلاق می‌شود و چگونگی لباس پوشیدن آنها، رسم‌های ازدواج و زندگی خانوادگی، الگوهای کارشان، مراسم مذهبی و سرگرمی‌های اوقات فراغت، همه را در بر می‌گیرد. همچنین شامل کالاهایی می‌شود که تولید می‌کنند و برای آنها مهم است مانند تیروکمان، خیش، کارخانه و ماشین، کامپیوتر، کتاب و مسکن.» (گیدنز، ۱۳۸۵، ص ۵۶). بنابراین تعریف گیدنز، سبک زندگی مفهومی تقریباً معادل مفهوم فرهنگ دارد؛ اگر چه کاملاً با آن یکسان نیست. دلیل نداشتن انطباق این است که سبک زندگی از دیدگاه گیدنز به شیوه‌هایی از زیستن گفته می‌شود که اولاً، از مختصات دنیای مدرن است و به زعم وی در جهان سنتی، سخن از سبک زندگی بی‌معناست؛ درحالی که فرهنگ از ملزومات هر نوع جامعه‌ی انسانی به شمار می‌رود و به جهان مدرن اختصاص ندارد؛ ثانیاً، گیدنز سبک زندگی را به مثابه «سیاست زندگی» تصور می‌کند که افراد فعالانه برای محقق ساختن خویشتن مشارکت دارند. بنابراین نسبت فرهنگ با سبک زندگی «عام و خاص من وجه» است. سبک زندگی به یک معنا عام‌تر از فرهنگ است؛ زیرا نه تنها بعد ذهنی و الگویی حیات جمعی، که بعد بیرونی فرهنگ، یعنی اعمال، رفتارها و دارایی‌ها را نیز، شامل می‌شود. از سوی دیگر مفهوم سبک زندگی خاص‌تر از فرهنگ است؛ زیرا سبک زندگی، مجموع اعمال و گرایش‌هایی است که به متن‌های خاص فرهنگی در درون یک «فرهنگ مادر» وابستگی دارد؛ در حالی که فرهنگ، کل تجربه‌ی زیسته در یک جامعه را شامل می‌شود. به بیان دیگر، فرهنگ، شیوه‌ی زیست یک جامعه در تمایز با جوامع دیگر است؛ در حالی که سبک زندگی به شیوه‌های زندگی افراد و اقشار اجتماعی مختلف در درون یک فرهنگ معین اشاره دارد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۴۰).

درباره سبک زندگی طی دو قرن گذشته، نظریه‌هایی شکل گرفته که در یک تقسیم‌بندی کلان و کلی می‌توان نظریه‌های سبک زندگی را به چهار دسته نظریه‌های روان‌شناسانه، اقتصادی، فرهنگی و جامعه‌شناسانه تقسیم نمود. (کافی، ۱۳۹۷، ص ۳۵). در این نوشتار به نظریه‌های فرهنگی و اجتماعی اشاره‌ای کوتاه خواهد شد.

در نظریه فرهنگی، سبک زندگی نوعی فرهنگ یا هویت تلقی می‌شود. اگر باورها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای موجود در یک جامعه، فرهنگ تلقی شود، در صحیح‌ترین و



معقول‌ترین تعریف، هر فرهنگ شامل مجموعه‌ای از سبک‌های زندگی در یک پهنه‌ی اجتماعی است، به این معنا که هر هویت فرهنگی شامل تجمیع تعدادی از سبک‌های زندگی مختلف در ذیل نقاط اشتراک ارزشی و هنجاری اساسی‌تر هستند (کافی، ۱۳۹۷، ص ۴۱). فرهنگ عبارت است از یک کل پیچیده در برگرفته دانش، باور، هنر، اخلاقیات، حقوق، آداب و رسوم و هر استعداد و عادتی که انسان به مثابه عضوی از جامعه معین کسب می‌کند. به بیان دیگر، هر فرهنگ در برگرفته هزاران هنجار، ارزش، باور، نهاد، فن‌آوری و روابط مادی است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱، ص ۱۲۴). بر اساس این دیدگاه، اگر جامعه را مجموعه سازمان یافته‌ای از افراد فرض کنیم که دارای سبک زندگی خاصی باشند، فرهنگ آن جامعه، همان سبک زندگی آن خواهد بود. در این معنا، سبک زندگی راهی است برای تعریف ارزش‌ها، نگرش‌ها، بینش‌ها و رفتارهای افراد که اهمیت آن برای تحلیل‌های اجتماعی، روزبه روز افزایش می‌یابد (کافی، ۱۳۹۷، ص ۴۱).

گیدنز با توجه به هویت اجتماعی به سبک زندگی پرداخته و سبک زندگی در اندیشه گیدنز، مرتبط با نوگرایی و مدرنیسم است. به نظر وی، نوگرایی و مدرنیسم یک نظم مابعد سنتی است که چگونه زندگی کردن و چگونه رفتار نمودن را پاسخ می‌دهد. سبک زندگی مجموعه‌ای نسبتاً هماهنگ از همه رفتارها و فعالیت‌های یک فرد معین در جریان زندگی روزمره است که مستلزم مجموعه‌ای از عادت‌ها و جهت‌گیری‌ها است. لذا هر نوع سبک زندگی‌ای دارای زیر ساخت فرهنگی خاصی است که برای درک بهتر سبک زندگی، شناخت زیر ساخت فرهنگی آن سبک، لازم است (کافی، ۱۳۹۷، ص ۴۸-۴۹).

در نظریه‌های جامعه‌شناختی، سبک زندگی عبارت است از: بررسی تجربه انسان در جهان اجتماعی در همه صورت‌های آن. این نظریه در صدد بررسی احساس، تفکر، عمل و رفتار انسان‌ها در جهان اجتماعی است. در جامعه‌شناسی چهار نظریه در باب سبک زندگی وجود دارد که عبارتند از: ثروت‌اندوزی به عنوان هویت اجتماعی، سبک زندگی معیار و ملاکی برای قشریندی اجتماعی، سبک زندگی به عنوان ابزار تحقیق به عنوان روش کیفی در تحقیقات کاربردی و سبک زندگی بر اساس نظریه ارتباط (کافی، ۱۳۹۷، ص ۵۱-۵۳).

۳. مولفه‌های اصلی سبک زندگی اسلامی و غربی

مولفه‌های اصلی سبک زندگی اسلامی و سبک زندگی غربی را می‌توان در دو ساحت معرفتی - بینشی و ارزشی - هنجاری مورد مطالعه قرار داد و تبیین این دو ساحت، بیان‌گر تفاوت و



اختلاف سبک زندگی غربی با سبک زندگی اسلامی خواهد بود.

۳-۱. ساحت معرفتی و بینشی

هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی متفاوت است. در این نوشتار به برخی از این تفاوت‌ها اشاره می‌شود:

۳-۱-۱. خدامحوری

نظام معرفتی سبک زندگی اسلامی بر اساس خدامحوری شکل می‌گیرد و همه هستی و جهان، حول محور خداوند متعال که خالق هستی است، متمرکز می‌شود. اما نظام معرفتی غربی بر اساس اومانیزم و انسان‌محوری شکل گرفته است.

اختلاف در سبک زندگی غربی و اسلامی، ناشی از اختلاف در انسان‌شناسی و نوع نگاه به انسان و فلسفه وجودی اوست. اگر انسان را موجودی مادی بدانیم، طبیعتاً سبک زندگی ما متفاوت با کسی خواهد بود که انسان را منحصر در عالم ماده ندانسته و او را دارای روحی الهی می‌داند. اگر اصالت را به شهوت و غضب و به امیال و غرایز بدهیم، سبک زندگی ما متفاوت با شخصی است که اصالت را به عقل می‌دهد و شهوت و غضب را تحت سیطره عقل در می‌آورد. در تفکر اومانیزمی لزوماً خالقیت خداوند نفی نمی‌شود، اما ربوبیت او و در نتیجه شریعت الهی نفی می‌شود. در این تفکر، خداوند در جایگاهی نیست که برنامه هدایت برای انسانها ارسال کند و لذا بود و نبود خدا در زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی انسان، هیچ تاثیری ندارد. در اندیشه اومانیزمی، انسان محور همه قرار دارد و انسان بر اثر قوانین خود ساخته و بشری و با استناد به تجربیات تاریخی و عقلانیت خود، شیوه زندگی خود را انتخاب می‌کند (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۹۴).

در سبک زندگی اسلامی انسان، مخلوق خدا است و در برابر خداوند هیچ جایگاه و شأن مستقلی برای خود قائل نیست و با نگاه «بنده بودن» به او نگریده می‌شود. بنابراین با سبک زندگی غربی که انسان را منهای خدا و دین تعریف می‌کنند، متفاوت خواهد بود. عبادت و پرستش خدا در سبک زندگی اومانیزمی جایگاهی ندارد و عبادت‌های فردی و اجتماعی نظیر نماز، روزه، زکات، حج و جهاد و... در سبک زندگی یک اومانیزم، هیچ جایگاه و معنایی ندارد (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۹۵).

از دیگر تفاوت‌های سبک زندگی اسلامی و غربی در ساحت بینشی - معرفتی، خلیفه الهی



بودن انسان است. انسان جانشین و نماینده خدا روی زمین است: همچنین اختیار و آزادی انسان در چارچوب قوانین اسلامی و دینی، تفاوتی دیگر در این عرصه است.

۳-۱-۲. غایت‌گرایی

غایت‌گرایی و اصل توجه معاش با معاد یکی از ساحت‌های معرفتی در سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود. اینکه غایت و نهایت زندگی انسان همین دنیای مادی نیست و زندگی آخرتی نیز برای هر انسانی وجود دارد، از تفاوت‌های مهم سبک زندگی اسلامی با غربی به شمار می‌آید. انسانی که هدف غایی او تأمین خواسته‌های نفسانی و مادی است با کسی که هدف غایی او سعادت ابدی و قرب الهی است، دو سبک زندگی متفاوت خواهند داشت. یک فرد لذت‌گرا یا سودگرا، دنبال کارها و فعالیت‌هایی می‌رود که بیشترین بهره لذت یا سود فردی یا جمعی او را تأمین کند و از هرکاری که موجب کاهش لذت یا سود او شود، اجتناب می‌کند. اصالت منافع مادی در نگاه غربی تا آنجاست که ممکن است بهترین و نزدیک‌ترین دوستانشان را نیز فدای منافع ملی خود کنند. در عرصه زندگی اجتماعی نیز اصالت لذت و سود، پیامدهای سوء خود را بر جای می‌گذارد. به عنوان مثال، در عرصه روابط زناشویی و تشکیل خانواده و تولید نسل، به خوبی می‌توان تأثیر این نوع نگاه را مشاهده نمود. کسی که هدف و غایت او لذت‌های مادی و جسمی و جنسی باشد، از نظر اخلاقی خود را ملزم به وفاداری به همسر خود و تعهدات زناشویی ندانسته، حتی ممکن است غیرت جنسی امری ضدارزش و غیرت مردان نسبت به همسران شان نوعی حسادت به شمار رود (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۹۸-۱۰۱).

در نظام لذت‌گرایی غربی و به ویژه ایالات متحده آمریکا، گزارش‌های بسیار متعدد از تجاوزات جنسی و فروپاشی نظام خانواده مشاهده می‌شود. در میان آمارهای تجاوزات جنسی در دنیا، هیچ کشور اسلامی در میان ۲۰ کشور اول دیده نمی‌شود و همگی از کشورهای اروپایی و آمریکایی هستند (شریفی، ۱۳۹۲، ص ۱۰۳). این نشان از اهمیت غایت مندی و تأثیر غایت‌گرایی الهی، در سبک زندگی اسلامی است.

۳-۲. ساحت ارزشی - هنجاری

دومین مولفه اصلی و اساسی بین سبک زندگی اسلامی و غربی در ساحت نظام ارزشی و هنجاری این دو است. نظام ارزشی اسلامی بر اساس اخلاق محوری و توجه به اصول اخلاقی نظیر توجه به زیست مسالمت آمیز، توجه به عدالت اجتماعی، رعایت فقرا و مستمندان،



مساوات، ایثار، انفاق، تکافل اجتماعی و... است. این اصول اخلاقی از ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود. همچنین معنویت‌گرایی، کمال‌گرایی، اعتدال‌گرایی و پیروی از هنجارهای فقهی از دیگر ویژگی‌های سبک زندگی اسلامی به شمار می‌رود. و در مقابل سبک زندگی اسلامی، سبک زندگی غربی مشتمل بر اشاعه مصرف‌گرایی، فردگرایی و فقدان فضائل اخلاقی است.

ساموئل هانتینگتون از جمله اندیشمندان امریکایی، معتقد است افول تمدن غرب شروع شده و چیزی که از مسائل اقتصادی و جغرافیایی مهم‌تر است، مسائل مربوط به سقوط اخلاقی، خودکشی فرهنگی و عدم وحدت سیاسی است. وی نمودهایی از سقوط اخلاقی غرب را برمی‌شمارد: ۱. افزایش رفتارهای ضد اجتماعی از قبیل جنایت، مصرف مواد مخدر، و خشونت به طور عام؛ ۲. فساد در خانواده شامل افزایش نرخ طلاق، فرزندان نامشروع، حاملگی در سن نوجوانی و خانواده‌های تک‌والد؛ ۳. افول سرمایه اجتماعی به خصوص در ایالات متحده امریکا یعنی عدم مشارکت در نهادهای داوطلبانه و عدم اعتماد متقابل میان افراد؛ ۴. افت عمومی اخلاقیات شغلی و شکل‌گیری نوعی از طغیان فردی. آینده غرب و نفوذ آن بر جوامع دیگر تا حدود زیادی بستگی دارد به اینکه غرب در برخورد با این مشکلات که به برتری اخلاقی مسلمانان و آسیایی‌ها منجر شده است، تا چه حد موفق باشد (هانتینگتون، ۱۳۷۸، ص ۴۸۹-۴۹۰).

از جمله سبک زندگی ما ایرانیان که برگرفته از اسلام و تعالیم آن است، عبارتند از: توجه به حلال و حرام بودن روزی، احترام به والدین و سال‌خوردگان، صلح و رحمت، مساوات، انفاق، ایثار و از خودگذشتگی، قناعت و میانه‌روی و همسایه‌داری.

۲-۳-۱ پیروی از هنجارهای فقهی (تجویزی بودن)

تجویزی بودن و پیروی از قواعد و هنجارهای فقهی یکی دیگر از افتراقات سبک زندگی اسلامی با سبک زندگی غربی است. از خصوصیات سبک زندگی اسلامی، تجویزی بودن آن و وجود دستورالعمل‌هایی برای همه ابعاد زندگی است که فقه شیعه برای مسلمانان بیان می‌کند. لهو و لعب نبودن بازی‌ها و سپری نمودن اوقات فراغت، عدم تمسخر در شوخی‌ها، عدم معاملات غرری، عدم اسراف و تبذیر در مصرف کالاها، عدم اشراف در معماری و ساختمان‌سازی، بدن نما نبودن لباس‌ها، تشبیه به کفار و عدم بهره‌مندی از نمادهای غربی، از جمله هنجارهایی به شمار می‌رود که در فقه برای مسلمانان ترسیم شده است.



۳-۲-۲. مصرف‌گرایی

امروزه مصرف‌گرایی به عنوان یک فرهنگ و شاخص زندگی مدرن و به دلیل اینکه تغییراتی در زندگی ایجاد می‌کند، جزء مولفه‌های سبک زندگی قلمداد می‌شود. به عبارتی مصرف‌گرایی، به جهان بینی و دین جوامع مدرن تبدیل شده است (کافی، ۱۳۹۷، ص ۳۸-۳۹). مصرف از منظرهای گوناگون تعریف شده و تعاریفی که بر پیوند مصرف و هویت تاکید می‌کند، از مهم‌ترین تعاریف به شمار می‌رود. در این تعریف، مصرف با هویت اعضای جامعه ارتباط دارد و مردم هویت خود را از طریق مصرف می‌سازند. مردم حس هویت چه کسی بودن را از طریق مصرف اقلام پوشاک، خوراک، تزئینات، مبلمان یا سبک تفریح تولید می‌کنند و اگر مصارفی با هویت ارتباط نداشته باشند، در بحث سبک زندگی بررسی نمی‌شوند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۰۰).

مصرف در اسلام تنها بعد شخصی ندارد، بلکه ابعاد اجتماعی و الهی نیز دارد. در نگاه هنجاری اسلام، الگوی خاصی در نظام مصرفی ایجاد می‌شود تا انسان را از مصرف‌گرایی بی‌حساب و جنون‌آمیز نجات دهد. در بعد فرهنگی نیز، از نسبی‌گرایی مطلق و بی‌معیاری‌هایی بخشد. با وجود الگومندی مصرف در اسلام، انتخاب‌های مصرفی انسان مومن در دایره‌های خاصی به رسمیت شناخته شده است. در این الگومندی، مقتضیات زمانی و عرفی در مصرف لحاظ شده و انسان باید در هر موقعیت، انتخاب‌های مصرفی متناسب با شرایط زمانی و عرفی را برگزیند (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۰۲).

۳-۲-۳. نمادهای غیراسلامی

در سبک زندگی اسلامی مسلمان‌ها نباید از نمادهای غیر اسلامی نظیر صلیب و کراوات استفاده نمود. زیرا صلیب تشبه به مسیحیان است و کراوات نیز به منزله‌ی یک نماد دینی مسیحی به شمار می‌رود. لذا استفاده از نمادهای غیر مسلمان‌ها پیامد هویتی دارد و سزاوار است انسان مسلمان از آن‌ها پرهیز کند و سبک زندگی مسلمان‌ها باید مملو از نمادهای اسلامی باشد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۰۸-۴۰۹).

۳-۲-۴. اوقات فراغت

فراغت در عربی به معنای بیکاری است و اسلام بیکاری را نمی‌پسندد. اما اوقات فراغت در اصطلاح به معنای مدت زمانی است که پس از انجام کار و تکلیف موظفی، شخص فرصت می‌یابد که با رغبت، علاقه و انگیزه شخصی، فعالیت یا برنامه خاصی را انتخاب و پیگیری



کند. در سیستم مفهومی اسلام، سفارش می‌شود که زمان شبانه روز به سه شکل کار، عبادت و لذت حلال و تفریح مصرف شود. از دیدگاه اسلام، بیشترین و بهترین فراغت‌ها در خانواده و در کنار همسر، فرزندان و خانواده معنا پیدا می‌کند (کاویانی، ۱۳۹۴، ص ۲۰۸-۲۰۹).

۳-۲-۵. پوشش و مدیریت بدن

یکی از تمایزات سبک زندگی اسلامی با غربی در پوشش زن و مرد و سبک آرایش ظاهری آن‌ها است. بر این اساس بحث تشبه، با مباحث سبک زندگی تناسب دارد. مراد از تشبه در پوشش، استفاده‌ی مرد و زن از کالاهای اختصاصی همدیگر است و در متون دینی از تشبه در پوشش، به شدت منع شده است. امام صادق علیه السلام می‌فرماید: پیامبر اسلام مردان را از داشتن پوشش شبیه زنان نهی می‌کرد و زنان را نهی می‌نمود که در لباس پوشیدن شبیه مردان باشند (حرعاملی، ۱۴۱۶، ج ۵، ص ۲۵). البته در روایات به نسبت فرهنگ‌ها در مصادیق این تشبه، توجه شده است؛ برخی از مصابیح عینی تشبه به تشخیص فرهنگ‌ها و اگذار شده و اقتضات زمان و مکان در آنها لحاظ شده است. زمان پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله با زمان امام باقر علیه السلام در رنگ پوشش تفاوت داشت، لذا این تفاوت‌ها کلی و مطلق نیست و باید مطابق هنجارها و فرهنگ‌های خاص رفتار نمود. تشبه زنان به مردان در نحوه‌ی آرایش و مدیریت بدن و چگونگی آرایش بدن نیز، تمایزات مرد و زن را از بین می‌برد (جمعی از نویسندگان، ۱۳۹۴، ص ۴۱۰ - ۴۱۱). پیامبر اسلام در این رابطه مردان و زنان را از استفاده‌ی مواد بهداشتی و آرایشی یکدیگر نهی فرموده‌اند: «عطر زنان باید به گونه‌ای باشد که رنگ آن آشکار و بوی آن نهان باشد؛ ولی عطر مردان باید به گونه‌ای باشد که بوی آن آشکار، و رنگ آن نهان باشد» (کلینی، ۱۳۶۲، ج ۶، ص ۵۱۲).

در منابع اسلامی، مراقبت‌های بهداشتی و آرایشی نظیر استحمام، نظافت، آرایش مو و صورت، ناخن گرفتن و استفاده از عطر اهمیت بسیاری دارد. مدیریت بدن در شکل سنتی آن، شامل ختنه کردن، سوراخ کردن گوش دختران، رنگ کردن مو برای مردان و زنان، حنا گذاشتن ریش برای مردان مورد توجه منابع دینی است (کافی، ۱۳۹۷، ص ۲۴۸). مدیریت بدن به صورت کاشت مو، تتو، خال کوبی، جراحی‌های زیبایی، ناخن کاشتن، استفاده از پروتز و لیزر از جمله اقدامات در جامعه مدرن می‌باشد.

۴. سیاست‌گذاری دولت اسلامی و ادله فقهی آن

دولت اسلامی پس از شناخت مشکلات در عرصه سبک زندگی اسلامی، باید در سه عرصه باورها، ارزش‌ها و نمادهای اسلامی سیاست‌گذاری کند.



در ابتدا دولت اسلامی از طریق تصویب قوانین در مجلس شورای اسلامی یا شورای عالی انقلاب فرهنگی و نیز از طریق بخش نامه‌ها، سبک زندگی اسلامی را به تمام ارگان‌های تحت مدیریت اش ابلاغ و زمینه اجرایی نمودن آنها را فراهم کند. عامل دیگری که بسیار حائز اهمیت می‌باشد، نقش گروه مرجع و نخبگان جامعه است که در این رابطه باید در آگاهی بخشی به افراد جامعه و نیز بیان کارکردهای سبک زندگی اسلامی، ایفای نقش کنند.

در مرحله بعد برای عموم افراد جامعه باید از طریق رسانه‌های نوشتاری و تصویری، انیمیشن، فیلم و سریال سبک زندگی اسلامی و نمادهای اسلامی را ترویج کنند تا از این طریق، سبک زندگی اسلامی در افراد جامعه درونی و نهادینه گردد.

برای سیاست‌گذاری دولت اسلامی در سبک زندگی اسلامی دو دلیل فقهی می‌توان ذکر نمود:

۴-۱. حاکم اسلامی

حاکم اسلامی در جامعه اسلامی علاوه بر نقش نظارت، هدایت جامعه در بعد نرم افزاری و سخت افزاری را نیز بر عهده دارد. از جمله وظایف حاکم اسلامی، ترسیم چشم انداز و سیاست‌گذاری در عرصه‌های فرهنگی، اقتصادی و سیاسی است و از الزامات رهبری جامعه به عنوان حاکم اسلامی، مدیریت و هدایت جامعه به سمت آرمانهای اسلامی و دینی و سیاست‌گذاری در عرصه‌های مختلف برای افراد جامعه است.

فقه‌های شیعه برای اثبات ولایت فقیه و حاکم اسلامی در کتب خود ادله‌هایی ذکر نموده‌اند. در این نوشتار در صدد اثبات ولایت و حکومت فقیه بر جامعه نمی‌باشیم، اما بر این نکته اشاره می‌کنیم که فقیه، نائب امام معصوم علیه السلام در اداره جامعه اسلامی است و از باب ولایت یا امور حسبیه باید در امور اجتماعی تصرف و سیاست‌گذاری کند.

۴-۲. مصداق معروف در آیه شریفه «ان مکنانهم فی الارض...»^۱

در سوره حج آیه ۴۱ خداوند متعال می‌فرماید: «الَّذِينَ إِن مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ». در این آیه شریفه خداوند به مسئولان و دولت مردان اسلامی توصیه به اقامه نماز، دادن زکات و امر به معروف و نهی از منکر می‌کند.

۱. سوره حج، آیه ۴۱.



مقام معظم رهبری در این باره معتقدند: «أَقَامُوا الصَّلَاةَ، یعنی اقامه‌ی نماز؛ این اشاره است به اینکه حکومت الهی و اسلامی باید تعبد را و توجه به خدا را و توجه به معنویت را گسترش بدهد. اقامه‌ی صلات به این منظور است؛ باید روح تعبد در جمهوری اسلامی گسترش پیدا کند. وَأَتُوا الزَّكَاةَ، یعنی زکات بدهند؛ زکات هم معلوم است چیست، لکن اشاره‌ای و نکته‌ای که در این «أَتُوا الزَّكَاةَ» ها یا «أَتُوا الزَّكَاةَ» های متفرقه در قرآن هست، این است که در جامعه‌ی اسلامی بایستی عدالت در توزیع، مورد نظر باشد؛ «وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ» معروف چیست؟ عدالت، انصاف، برادری، ارزش‌های اسلامی؛ این‌ها معروف است» (خامنه‌ای، بیانات در دیدار رئیس و مسئولان قوه قضائیه، ۱۴۰۱/۴/۷).

مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی این چهار شاخص در آیه را بیان نموده و معتقدند که هر یک از اینها یک جنبه فردی و یک جنبه اجتماعی و تاثیر در نظام‌سازی اجتماعی دارد. ایشان بر این باورند:

«هر کدام این چهار خصوصیت و چهار شاخص، یک جنبه‌ی فردی و شخصی دارند، لکن در کنار آن، یک جنبه‌ی اجتماعی و تاثیر در نظام‌سازی اجتماعی [هم] دارند. نماز با آن همه راز و رمزی که در حقیقت نماز نهفته است که معراج هر مؤمن است، دارای جنبه‌ی اجتماعی هم هست. جنبه‌ی اجتماعی نماز این است که یکایک مسلمانان به‌وسیله‌ی نماز با یک مرکز واحدی در تماس می‌شوند. در آن واحد در وقت نماز، همه‌ی مسلمانان در همه‌ی نقاطی که دنیای اسلام گسترده است، دل را به یک مرکز واحدی متصل میکنند؛ این اتصال همه‌ی دلها به یک مرکز واحد، یک مسئله‌ی اجتماعی است، یک مسئله‌ی نظام‌ساز است، معین‌کننده و شکل‌دهنده‌ی هندسه‌ی نظام اسلامی است. زکات که دارای جنبه‌های فردی است... اما یک ترجمان اجتماعی دارد؛ زکات در استعمالات قرآنی، به معنی مطلق انفاقات است... زکات یعنی مطلق انفاقات مالی، [اما] جنبه‌ی اجتماعی و ترجمان اجتماعی نظام‌ساز زکات این است که انسانی که در محیط اسلامی و جامعه‌ی اسلامی، برخوردار از مال دنیوی است، خود را متعهد میداند، مدیون میداند، طلبکار نمیداند، خود را بدهکار جامعه‌ی اسلامی میداند؛ هم در مقابل فقرا و ضعفا، هم در مقابل سبیل‌الله؛ بنابراین زکات با این نگاه، یک حکم و شاخص نظام‌ساز است. و اما امر به معروف و نهی از منکر که در واقع به نوعی زیربنای همه‌ی حرکات اجتماعی اسلام است یعنی همه‌ی مؤمنان در هر نقطه‌ای از عالم که هستند، موظفند جامعه را به سمت نیکی، به سمت معروف، به سمت همه‌ی کارهای نیکو حرکت



دهند؛ و نهی از منکر یعنی همه را از بدی‌ها، از پستی‌ها، از پلشتی‌ها دور بدارند. هرکدام از این چهار شاخص به نحوی ترجمان ساخت و هندسه‌ی نظام اسلامی است.» (خامنه‌ای، بیانات در حرم مطهر رضوی، ۱۳۹۴/۱/۱).

بنابراین منظور از اقامه نماز یعنی گسترش روح تعبد و معنویت در جامعه و منظور از زکات یعنی توزیع عدالت و تامین اقتصاد افراد جامعه؛ می‌توان مصداق معروف در آیه شریفه را ترویج سبک زندگی اسلامی در میان افراد جامعه که دارای محتوای ارزشی و دینی است، به شمار آورد. باید متذکر شد که آیه شریفه به سه نکته معنویت، اقتصاد و فرهنگ افراد جامعه اشاره دارد. از این رو سیاست‌گذاری در امر فرهنگی و سبک زندگی اسلامی از جمله وظایف دولت اسلامی به شمار می‌آید.

نتیجه‌گیری

این نوشتار در بررسی افتراقات سبک زندگی اسلامی و غربی و لزوم سیاست‌گذاری دولت اسلامی در عرصه تحقق سبک زندگی اسلامی، ابتدا به مفهوم‌شناسی سبک زندگی اشاره و مفهوم سبک زندگی را مورد مطالعه و پژوهش قرار داده است. سبک زندگی مجموعه‌ای از باورها، ارزشها، هنجارها، نمادها و رفتارهایی است که به مولفه‌هایی نظیر نوع پوشش، نوع مسکن، نوع ماشین، وسایل منزل، تزیینات، خوردنی‌ها و... منجر می‌شود.

سبک زندگی را بر اساس باورها و جهان بینی، می‌توان به سبک زندگی اسلامی و الهی و غیر الهی و غربی تقسیم نمود. مولفه‌های اساسی و اصلی سبک زندگی اسلامی بر اساس خدامحوری، غایت‌مندی، معنویت و میانه‌روی است. سبک زندگی غربی بر اساس اومانیسیم، لذت‌گرایی، مصرف‌گرایی و پیروی از نمادهای غیر اسلامی ترسیم شده است. تفاوت بینشی و معرفتی و تفاوت هنجاری و ارزشی، دو تفاوت اصلی و اساسی بین سبک زندگی اسلامی و غربی به شمار می‌رود. بررسی سیاست‌گذاری دولت اسلامی، حاکی از نقش دولت اسلامی در سیاست‌گذاری برای سبک زندگی اسلامی افراد جامعه است. دو دلیل فقهی بیان‌شده مؤید این مطلب است.



فهرست منابع

- قرآن کریم.
- بیانیه گام دوم انقلاب، ۱۳۹۷/۱۲/۲۲.
۱. تامین، ملوین (۱۳۷۳ش). جامعه‌شناسی قشربندی و نابرابری‌های اجتماعی. ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، تهران: نشر توتیا.
۲. جمعی از نویسندگان (۱۳۹۴). شاخص‌های سبک زندگی اسلامی. قم: موسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۳. حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۶ق). وسائل الشیعه. قم: موسسه آل‌البیت لاحیاء التراث.
۴. شریفی، احمد حسین (۱۳۹۲). سبک زندگی اسلامی ایرانی. تهران: مرکز پژوهش‌های علوم انسانی اسلامی صدرا.
۵. کافی، مجید (۱۳۹۷). سبک زندگی اجتماعی با تأکید بر آیات و روایات. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۶. کاویانی، محمد (۱۳۹۴). درسنامه سبک زندگی اسلامی. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۷. کلینی، ابی‌جعفر (۱۳۶۲). الفروع من الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۸. گل محمدی، احمد (۱۳۸۱). جهانی شدن، فرهنگ، هویت. تهران: نشر نی.
۹. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۵). جامعه‌شناسی. تهران: نشر نی.
۱۰. مولر، پیر (۱۳۷۸). سیاست‌گذاری عمومی. ترجمه حمیدرضا محمدی، تهران: نشر دادگستر.
۱۱. مهدوی کنی، محمد سعید (۱۳۸۷). دین و سبک زندگی. تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام.
۱۲. وحید، مجید (۱۳۸۳). سیاست‌گذاری عمومی. تهران: نشر میزان.
۱۳. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۷۸). برخورد تمدن‌ها و بازسازی نظم جهانی. ترجمه محمدعلی حمید رفیعی، تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.